یادداشت روز

طشت رسوایی حقوق بشر آمریکایی فرو افتاد

حسن رشوند

تصمیم پنجشنبه‌شب هیئت حاکمه آمریکا مبنی بر خروج رسمی، شتاب‌زده و سراسیمه از شورای حقوق بشر سازمان ملل، بیش از آنکه یک مانور دیپلماتیک یا تاکتیک انزواگرایانه سیاسی باشد، اعتراف عریان و محتوم به بن‌بست کامل هژمونی غرب در جنگ روایت‌ها و عرصه اقناع افکار عمومی جهان است. رژیمی که افزون بر هفت دهه، مفهوم متعالی و فطری «کرامت انسانی» را به مسلخ منافع جهان‌خوارانه سرمایه‌داری خود برده و واژگان محترمی چون «حقوق بشر»، «حق حیات» و «آزادی» را به چماقی سخت برای سرکوب، تهدید و باج‌خواهی از ملت‌های مستقل و انقلابی تبدیل کرده بود، امروز به نقطه‌ای از ورشکستگی رسیده که توان دفاع از رفتار وحشیانه خود را حتی در چهارچوب نهادهای فرمایشی و دست‌ساز خود را ندارد.

این فرار را باید خلع سلاح بزرگ استکبار جهانی در پهنه ادعاهای اخلاقی دانست. سال‌هاست که سرمقاله‌نویسان جریان تحریف در غرب و پادوهای رسانه‌ای فارسی‌زبان آنان، آمریکا را قبله آمال دموکراسی و مدافع حقوق ملت‌ها تصویر می‌کردند؛ اما امروز پرده‌ها چنان فرو افتاده که صاحب‌خانه نیز تاب تماشای چهره کریه خویش را ندارد. صدایی که با خروج پنجشنبه‌شب آمریکا در سراسر گیتی پیچید، صدای خرد شدن ساختار پوسیده لیبرال- دموکراسی غربی و طشت رسوایی حقوق بشر آمریکایی بود؛ طشتی که از بلندای بام استکبار به زیر افتاد و آوای ننگین آن، خواب را از چشمان سیاست‌بازان کاخ سفید و پنتاگون ربود. در این حرکت مشمئزکننده‌ای که مقامات آمریکایی در خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل بعد از چند دهه جنایت علیه بشریت با تابلوی حقوق بشر انجام دادند پرداختن به چند نکته خالی از لطف نیست:

۱- برای درک ریشه انگیزه این فرار زبونانه، باید به ذات ماهیت استکباری و متناقض سیاست خارجی آمریکا نگریست. ادعای پاسداری از حقوق بشر توسط سردمداران واشنگتن، بزرگ‌ترین طنز تلخ و در عین حال جنایت‌بار تاریخ معاصر است. امام شهید ما،(رضوان‌الله تعالی‌علیه) با همان نگاه تیزبین‌شان، عمق این توطئه سازمان‌یافته را شکافته و با بیانی کوبنده فرموده بودند: «مسئله حقوق بشر برای غربی‌ها و بخصوص آمریکایی‌ها یک ابزار است؛ ابزاری برای فشار، ابزاری برای زورگویی... هر جا بخواهند به یک کشوری فشار بیاورند، مسئله حقوق بشر را علم می‌کنند؛ در حالی که خودشان بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در دنیا هستند.»

این تبیین حکیمانه، خط بطلانی صریح بر تمام لفاظی‌های کارگزاران دستگاه سیاست خارجی آمریکا کشید. تاریخ سه دهه اخیر آمریکا مالامال از قصابی، اشغالگری، شکنجه و تروریسم دولتی است. مگر حافظه ملت‌های جهان خاکستر شدن شهرهای فلوجه عراق و قندوز افغانستان را فراموش کرده است؟ مگر رسوایی دهشتناک سیاه‌چال‌های ابوغریب، بگرام و شکنجه‌گاه دائمی گوانتانامو از صفحه تاریخ پاک می‌شود؟ رژیمی که با ادعای کشف سلاح‌های کشتارجمعی عراق را به خاکستر نشاند و جان بیش از یک میلیون انسان بی‌گناه را گرفت، همان رژیمی است که ماشین جنگی کودک‌کش صهیونیستی را در نوار غزه و جنوب لبنان به بمب‌های فسفری و هدایت‌شونده دوهزار پوندی تجهیز کرد تا هزاران کودک را در آغوش مادرانشان قطعه‌قطعه کند. برای واشنگتن، «انسان» مادامی ارزش زیستن دارد که تسلیم ماشین غارت و چپاول کمپانی‌های غربی باشد و اگر ملتی اراده استقلال و ایستادگی کرد، تمام حقوقش به فتوای دموکراسی لیبرال ساقط خواهد شد.

۲- داغ مدرسه شجره طیبه میناب و ماتم مراسم عروسی بندر سیریک، اسناد انکارناپذیر توحش حقوق بشری آمریکا بود که امروز با خروج او از یک نهاد نه چندان مؤثر، بیش از هر زمان دیگری به نمایش درآمده است. آمریکا که امروز با وقاحت تمام از نظارت‌های بین‌المللی می‌گریزد، پرونده‌ای گشوده از جنایت مستقیم در خاک پاک جمهوری اسلامی ایران دارد. ملت غیور و مؤمن ایران هنوز عزادار خون‌های پاکی است که در حملات سبعانه ارتش تروریست آمریکا به شهادت رسیدند. واقعه غم‌بار و جان‌گداز ۹ اسفند ۱۴۰۴ در شهرستان میناب، سندی مجسم و خونینی از تروریسم کور کاخ سفید است. در آن صبح شوم، بمب‌افکن‌های ارتش متجاوز آمریکا با شلیک هدایت‌شده موشک‌های سنگین به مدرسه دخترانه «شجره طیبه» میناب، کلاس‌های درس، نیمکت‌ها و آرزوهای ۱۶۸ دانش‌آموز معصوم و نونهال را در آستانه عید نوروز به تلی از خاکستر و اجساد مطهر مبدل ساختند. آیا در کدام کنوانسیون چهارگانه ژنو یا میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تبدیل کردن کلاس درس ریاضی و قرآن به قربانگاه کودکان مجاز شناخته شده است؟! ماشین تبلیغاتی استکبار بلافاصله کوشید تا این فاجعه قرن را در پوشش «خطای هدف‌گیری» و «آسیب جانبی ناخواسته» پنهان سازد؛ همان دروغ تکراری و مشمئزکننده‌ای که در تیرماه ۱۳۶۷ پس از شلیک به پرواز هواپیمای مسافربری ۶۵۵ بر فراز خلیج‌فارس سر دادند و چندی بعد به جنایتکار آن مدال شجاعت بخشیدند.

جنایت میناب پایان ددمنشی گرگ‌های پنتاگون نبود. هنوز ناله‌های مادران داغدار مدرسه شجره طیبه در فضای هرمزگان طنین‌انداز بود که در اقدامی جنایتکارانه و جنون‌آمیز دیگر، کاروان شادی و آیین عروسی جمعی از هم‌وطنان بی‌دفاع و مظلوم در بندر سیریک هدف مستقیم بمباران متجاوزان آمریکایی قرار گرفت. خنده‌ها و نغمه‌های شادباش جوانان، در چند ثانیه به ضجه، خون و پیکرهای تکه‌تکه‌شده تبدیل شد. این فجایع نشان داد که دشمن هیچ خط قرمزی در زیر پا گذاشتن اصول اولیه بشریت نمی‌شناسد.

امام شهید انقلاب، (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) سال‌ها پیش با شجاعت و صلابت بی‌مانند، چهره پر از تزویر حاکمان آمریکا را هدف گرفته و فرمودند: «آمریکایی‌ها خجالت نمی‌کشند اسم حقوق بشر را می‌آورند؟! هر کس دیگری در دنیا ادعای حقوق بشر بکند، دولتمردان آمریکا نباید اسم حقوق بشر را به زبان بیاورند، از بس که کارنامه‌شان در این قضیه، سیاه و تباه و افتضاح است.»

۳- ابعاد دشمنی و نقض حقوق بشر توسط سردمداران واشنگتن منحصر به باروت، موشک و جنایات میدانی نیست؛ رژیم آمریکا طی سالیان متمادی با پیاده‌سازی سیستماتیک‌ترین رژیم تحریم‌های اقتصادی، یکی از بزرگ‌ترین جنایات علیه بشریت را رقم زده است. نام این راهبرد در قاموس پنتاگون و خزانه‌داری آمریکا هرچه باشد، در حقوق بین‌الملل «تروریسم دارویی» و «نسل‌کشی خاموش» تعریف می‌شود. مگر می‌توان آن کلام خباثت‌آمیز سناتور آمریکایی «مارک کرک» را در مواجهه با این سؤال خبرنگاری که از او پرسیده بود به نظر شما تحریم‌ها علیه ایران باعث فشار به مردم ایران نمی‌شود، در پاسخ خبرنگار گفته بود«اشکال ندارد غذا را از دهان ایرانیان بی‌گناه بیرون بکشیم»!

آمریکا سال‌هاست که با بستن شریان‌های بانکی و تهدید کمپانی‌های دارویی جهان، از رسیدن پانسمان‌های ویژه بیماران پروانه‌ای، داروهای حیاتی شیمی‌درمانی کودکان سرطانی و تجهیزات اتاق عمل به بیمارستان‌های ایران ممانعت به عمل می‌آورد. صدها کودک معصوم ایرانی نه در میدان جنگ، بلکه روی تخت‌های درمانگاه‌ها و در آغوش گریان مادرانشان، صرفاً به جرم اراده استقلال ملتشان و زیر بار تحریم دارویی آمریکا، جان باختند. با این وجود، دولت جنایتکار آمریکا در سالگرد همین کشتارها، با صدور بیانیه‌های جعلی و مغرضانه، ملت‌های دیگر را به عدم رعایت آزادی و حقوق بشر متهم می‌کردند! این حد از رذالت و دوگانگی اخلاقی تنها در فرهنگ استعماری غرب قابل جمع و تحلیل است.

اکنون که با همت و خون‌خواهیِ خانواده‌های شهدای گلگون‌کفن میناب و بندر سیریک، مستنداتِ غیرقابل انکاری از نقض فاحش بندهای اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی گردآوری شده و در سازمان ملل بر سر آمریکا آوار گشته است، واشنگتن راهی جز برهم زدن میز پیش روی خود ندید و فرار پنجشنبه‌شب از شورا، واکنشی بزدلانه برای نجات از سیل مواخذه‌ها، دادخواهی‌ها و خلع ید حقوقی در عرصه جهانی است. قاتل وقتی متوجه می‌شود که ادله جرم در دستان شاکیان غیرقابل تردید است، چاره‌ای جز فرار از دادگاه ندارد.

۴- این خروج ننگین، نقطه عطفی در مبارزات جبهه حق علیه باطل به شمار می‌رود. برای سال‌ها، امپراتوری سرمایه‌داری و رسانه‌های وابسته به اتاق فکر سازمان سیا تلاش می‌کردند با دوگانه جعلی «غرب مدرن و انسانی» در برابر «کشورهای ناهمسو»، ملت‌های مستقل را در گوشه انفعال قرار دهند.

بقیه در صفحه ۷

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آقای پزشکیان! سازمان ملل را به دادگاه جنایات آمریکا تبدیل کنید

سرویس سیاسی-

با توجه به سفر رئیس‌جمهور به نیویورک، صحن سازمان ملل باید به دادگاه جنایات آمریکا تبدیل شود. نیویورک نه جای لبخند و مذاکره، بلکه فرصت افشای فاجعه میناب، سیریک و لامرد، خونخواهی امام شهید و فریاد اقتدار «ایران مبعوث» است.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور کشورمان در حالی جهت شرکت و سخنرانی در هشتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم نیویورک شده که گذر زمان در یک‌سال گذشته، شتابان و پرحادثه‌تر از هر دوران دیگری در تاریخ معاصر بوده است. رئیس‌جمهور در شرایطی پا به نیویورک می‌گذارد که صحنه جهانی، هنوز زیر بار پیامدهای تجاوزگری مستقیم واشنگتن علیه ایران فرو رفته است؛ سالی که در آن کاخ سفید با طراحی کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴، تحمیل جنگ ۴۰روزه و شهادت قائد و رهبر عزیزمان و جمعی از فرماندهان، دانش‌آموزان و هموطنان عزیزمان، آخرین پرده از وقاحت و وحشی‌گری را به اجرا گذاشت.

اما امروز، در حالی که دیپلمات‌های کشورمان چمدان‌های خود را می‌بندند، نیویورک دیگر نه جای «لبخند در راهروها» و «توافق‌های اتفاقی»، بلکه صندلی متهمی است که بوی سوختگی نشیمن‌گاهش، سراسر غصبگاه سازمان ملل را فراگرفته است!

رؤیای تسلیم در راهروهای سازمان ملل؛ نسخه سوخته جریان غربگرا

همزمان با بار بستن هیئت ایرانی، باز هم همان صدای نحس و آشنا از اردوگاه مدعیان اصلاحات و جریان تسلیم به گوش می‌رسد؛ طیفی که همواره سفر به نیویورک را به سطح یک «برخورد اتفاقی در راهرو» و «یک دیپلماسی لبخند» تنزل داده است. رسانه‌های تسلیمی با فضاسازی گسترده و ضریب دادن به سراب مذاکره، بار دیگر در حال تحریف چالش ایران و آمریکا هستند. آن‌ها خروج از NPT را تله می‌نامند، از مقاومت ایران در انسداد تنگه هرمز انتقاد می‌کنند و تسلط بر آن را هزینه‌ساز می‌دانند و حتی در کمال وقاحت، خون‌خواهی رهبر شهید را به صلاح نمی‌بینند!

اما سؤال اساسی از این جریان بی‌کارنامه این است که حاصل این میزان اشتیاق برای مذاکره بی‌هدف چیست؟ مگر نسخه مذاکره تا امروز جواب داده است؟! نه در زمان روحانی و خسارت محض برجام و نه در میانه دیپلماسی دولت چهاردهم که ترامپ در کمال بدعهدی درست در وسط میز مذاکره، بمب انداخت و حتی به امضای خود در تفاهم نامه اسلام‌آباد هم پایبند نماند. این میزان اشتیاق برای زانو زدن در برابر بدعهدی که امضایش ارزش کاغذ زیر دستش را ندارد، نامی جز وادادگی ندارد.

طومار سیاه جنایات آمریکای تروریست

امروز رئیس‌جمهور نباید فراموش کند که نماینده ملتی است که داغ سنگین جنایات ایالات متحده را بر سینه دارد. اگر چه کارنامه آمریکا در جنایت و خیانت علیه ایران طومار بزرگی از کودتای ۲۸ مرداد، حمایت تمام‌قد از صدام، ورود مستقیم به جنگ خلیج‌فارس، تحریم‌های گسترده و ترور دانشمندان هسته‌ای است، اما جنایات اخیراً ارتکابی در ۱۲ روز جنگ تحمیلی، کودتای دی‌ماه، جنگ ۴۰ روزه، شهادت قائد امت و فرماندهان سلحشور و مقتدر و تجاوزهای اخیر، وقاحت کاخ سفید را به اوج رسانده است.

بر اساس تازه‌ترین یافته‌های «هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی درباره ایران»، دلایل محکم و انکارناپذیری وجود دارد که نیروهای تروریست آمریکایی مستقیماً مسئول حمله به مدرسه ابتدائی «شجره طیبه» در شهر میناب بوده‌اند؛ جنایتی هولناک که طی آن ۱۶۸ نفر به شهادت رسیدند. جنایت آمریکا به همین‌جا ختم نشد؛ حمله به منزل مسکونی و مجلس عروسی در کوهستک سیریک، و به‌کارگیری سلاح‌های ممنوعه و کشتار جمعی در لامرد، سند دیگری از پرچم خونین حقوق بشر آمریکایی است.

لیست جنایات دشمن، پهنه وسیعی از ساختار مدنی و حیاتی کشور را نشانه رفته است. دست‌درازی مستقیم به مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات علمی و مجالس مردمی مانند کوهستک، کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان اعم از زنان، کودکان، معلمان، دانشمندان و شهادت قائد و رهبر عزیزمان، تنها بخشی از این توحش است.

انحطاط اخلاقی در به‌کارگیری سلاح‌های ممنوعه و کشتار جمعی علیه کودکان در لامرد، در کنار حمله به زیرساخت‌های حیاتی نظیر نیروگاه‌های آب و برق، تاسیسات پتروشیمی، زیرساخت‌های انرژی و سیلوهای کشاورزی، عمق کینه‌توزی کاخ سفید را نشان می‌دهد.

تجاوز به مراکز امدادی، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های اورژانس، آمبولانس‌ها و انبارهای هلال احمر، هدف قرار دادن بنادر، خطوط راه‌آهن، پل‌ها، فرودگاه‌ها، هواپیماهای مسافربری و هجوم به هویت رسانه‌ای و مذهبی کشور از جمله تاسیسات صداوسیما، کتابخانه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها، طومار جنایتی است که رئیس‌جمهور باید در نیویورک صدای مظلومیت مقتدرانه آن باشد و سیمای شوم مدعیان جهانی حقوق بشر را افشا کند.

حسابرسی از همسایگان بی‌عمل و پاسخ کوبنده در حوزه انرژی

تریبون سازمان ملل متحد همچنین بهترین فرصت برای صراحت لهجه با آن دسته از همسایگانی است که سرزمین و پایگاه‌های خود را در اختیار ماشین جنگی آمریکا قرار دادند. همان نوچه‌های منطقه‌ای که امروز نقش واسطه را بازی می‌کنند اما در عمق وجود، دل در گروی ارباب خود دارند. باید به آن‌ها یادآور شد که در صورت وقوع جنگ،دیگر خویشتنداری وجود نخواهد داشت.

چنانچه قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) با کشورهای حاشیه خلیج فارس در صورت تجاوز احتمالی آمریکا به ایران اتمام حجت کرد و اعلام نمود: «چنانچه کشورهای منطقه با تجاوز شیطان بزرگ به ایران همسو شوند، همگی در این شرارت شریک تلقی می‌شوند و دیگر نمی‌توانند از نیروهای مسلح قدرتمند ایران انتظار خویشتن‌داری یا نجابت داشته باشند.»

امروز آقای پزشکیان و تیم اقتصادی و دیپلماسی همراه، پیش از آنکه تریبون مجمع عمومی را به دست بگیرند، کافی است نگاهی به تابلوهای بنزین و گازوئیل در جایگاه‌های نیویورک بیندازند! بر اساس گزارش آکسیوس و داده‌های انجمن اتومبیل آمریکا، قیمت متوسط بنزین معمولی در ایالات متحده به حدود ۴.۴۸ دلار و گازوئیل به رکورد بی‌سابقه ۶.۵۰ دلار در هر گالن رسیده است. بازار جهانی نفت تعیین‌کننده قیمت است و هزینه تصمیمات نظامی کاخ سفید امروز مستقیماً از جیب خانوارهای آمریکایی و باک خودروهایشان پرداخت می‌شود.

افسار باب‌المندب و تنگه هرمز در دست کیست؟

دیپلمات‌های ما در نیویورک باید نظم و ترتیبات نوین را ملکه ذهن خود کنند. امروز ماشین جنگی آمریکا به گل نشسته و تورم جنگ، کمر اقتصاد غرب را شکسته است. با عملکرد طوفانی انصارالله و در اختیار گرفتن افسار تنگه باب‌المندب در کنار حاکمیت قاطعانه ایران بر تنگه هرمز، جریان انرژی و تجارت جهانی معادلات جدیدی به خود دیده است. حال باید از غربی‌ها پرسید که با حاکمیت ایران و انصارالله بر دو گلوگاه حیاتی جهان، واقعاً کت تن کیست؟

حتی نشریات آمریکایی نیز نتوانسته‌اند این افتضاح استراتژیک را پنهان کنند؛ همان‌طور که روزنامه واشنگتن‌پست صراحتا اذعان کرده است: «با هر معیاری، ترامپ بازنده قطعی جنگ با ایران است.» ترامپ اکنون به عنوان یک رئیس‌جمهور ناکام، شکست‌خورده و بی‌آبرو در جنگ، تنها به دنبال آن است که با مانورهای رسانه‌ای و طرح ژست‌های دروغین مذاکره، پرونده هسته‌ای را روی کارزار انتخاباتی خود سوار کند؛ او می‌خواهد کلاهی از نمد هسته‌ای موشکی برای خود ببافد تا افکار عمومی آمریکا را از شکست نظامی و پرواز قیمت نفت منحرف سازد.

نیویورک، دادگاه محاکمه آمریکا و صدای ایران مبعوث

آقای رئیس‌جمهور! دونالد ترامپ با هدف سیاه‌نمایی، ایجاد دوگانگی در داخل ایران، تضعیف انسجام ملی و ترمیم چهره وحشیانه خود، دام دروغین مذاکره را پهن کرده است. نباید در زمین بازی کلامی این تروریست قمارباز حرکت کرد. شهید رئیسی در همین صحن سازمان ملل با بالا بردن قرآن کریم و تصویر شهید حاج قاسم سلیمانی، فریاد اقتدار و عزت ایران را به گوش جهانیان رساند؛ امروز نیز چشم ملت ایران و فرزندان امت اسلامی به نماینده جمهور است.

فارغ از حواشی، پروپاگاندا و فشار جریان غربگرا، فریاد مظلومیت و اقتدار ملت ایران باشید. تصویر امام و رهبر شهیدمان، عکس معصومانه دانش‌آموزان شهید میناب و سند جنایات لامرد و کوهستک را روی دست بگیرید و سازمان ملل را به دادگاه محاکمه آمریکا تبدیل کنید. نیویورک نه جای لبخندها، بلکه جای به دریوزگی کشاندن آمریکای متجاوز و انعکاس صدای «ایران مبعوث» است.

دیدار وزرای کشور ایران و پاکستان

وزرای کشور ایران و پاکستان در تهران دیدار و گفت‌وگو کردند.

محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان روز دوشنبه (۳۰ شهریورماه) با اسکندر مؤمنی، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

همچنین نقوی وزیر کشور پاکستان که به تهران سفر کرده بود، از مؤمنی برای سفر به این کشور دعوت کرد.

در این دیدار طرفین بر نهائی کردن توافقات توسعه روابط دو جانبه تاکید کردند.

خبر ویژه

برتری ایران در تنگه هرمز و عصای غربگرایان زیر بغل آمریکا

در روزهایی که دشمن آمریکایی صهیونیستی زیر ضربات خردکننده ایران و بازوهای آن در باب‌المندب، دریای سرخ و آب‌های نیلگون خلیج‌فارس به زانو درآمده و به دریوزگی افتاده‌اند، اظهارات تأمل‌برانگیز برخی چهره‌های منتسب به دولت، شائبه تلاش برای «خودخلع‌سلاحی» پای میز مذاکره را تقویت می‌کند.

محمد عطریانفر، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، اخیراً با ادبیات تسلیمی ادعا کرده است که «تبدیل تنگه هرمز به ابزار دائمی تنش، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگینی برای ایران ایجاد می‌کند!»؛ مواضعی که متأسفانه بوی انفعال و خلط مبحث میان «اقتدار ژئوپلیتیک» و «ادبیات التماسی» می‌دهد.

این سخنان ناشیانه در حالی مطرح می‌شود که تنگه هرمز به عنوان یک «هدیه الهی»، راه تنفس و گلوگاه حیاتی اقتصاد استکبار جهانی است. امروز فشار جدی جمهوری اسلامی بر این گلوگاه، حریف پلید و زیاده‌خواه را به خفگی نزدیک کرده است. بستن تنگه هرمز و اهرم حاکمیت ایران بر شریان‌های انرژی، تجاری و حتی کابل‌های چند تریلیون دلاری اقتصاد دیجیتال و شبکه پرداخت بین‌المللی در عمق آب‌های ایران، دقیقاً کارکرد موشک‌هایی با برد ۱۲هزار کیلومتر را ایفا می‌کند؛ اهرمی که حتی رسانه‌های غربی نظیر تلگراف نیز اعتراف می‌کنند «سلاحی قدرتمندتر از بمب هسته‌ای برای ایران است.»

سؤال اصلی از جریان غربزده و امثال عطریانفر این است: در شرایطی که دشمن طی ۴۷ سال گذشته لحظه‌ای از استراتژی براندازی عقب‌نشینی نکرده و بارها بدعهدی خود را به اثبات رسانده، با چه منطقی باید قوی‌ترین اهرم بازدارندگی کشور را پای میز معامله برد؟ آیا گشایش در این آبراه استراتژیک بدون اخذ امتیازات بنیادی، معنایی جز باز کردن راه تنفس آمریکای روبه‌زوال و نجات حریف از خفگی دارد؟

امروز که با ایستادگی ملت ایران و پیروزی‌های مقاومت، دشمن پس از شکست در سناریوهای مختلف به التماس افتاده، زمان دیکته‌کردن شروط ایران است، نه تجویز عقب‌نشینی با برچسب «استفاده مسئولانه». آقایان نباید هدیه الهی و سرمایه ملی را که پوزه آمریکا را به خاک مالیده، قربانی سراب مذاکره و ادبیات مهار قدرت ایران کنند.

بازخوانی «تفاهم اسلام‌آباد» با عینک «جام زهر»

«اگر توافق با آمریکا را مانند قطعنامه ۵۹۸ فرض کنیم، بازگشت هرچه سریع‌تر به آن جلوی بسیاری از هزینه‌ها و خسارات جانی و اقتصادی را می‌گیرد»؛ این عبارت، چکیده و بطن نوشته محسن هاشمی‌رفسنجانی است؛ یک محاسبه «هزینه–فایده» برای پیشنهاد بازگشت به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد؛ تفاهمی که از نظر سعید لیلاز، هم‌فکر و هم‌قطار هاشمی، «تله» بود.

۲۷ شهریور ۱۴۰۵، محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای مرکزی حزب اشرافی کارگزاران، همزمان در روزنامه «شرق» و «سازندگی» سرمقاله داشت؛ سرمقاله‌ای با یک موضوع واحد که با قیاس قطعنامه ۵۹۸ و تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، بازگشت به توافق ۱۴بندی را توصیه می‌کرد.

محسن هاشمی در روزنامه زنجیره‌ای «سازندگی» ذیل تیتر «میدان‌داری و مسئولیت‌پذیری» نوشت: «واقعیت این است که برهم خوردن تفاهم‌نامه، هزینه سنگینی برای نهاد نظامی کشور، اقتصاد و معیشت مردم و حتی وضعیت گروه‌های مقاومت در لبنان، یمن و عراق داشته است، اما به‌نظر منافع آن عاید دو کشور روسیه و اسرائیل شده که از توافق ایران و آمریکا و پایان جنگ و درگیری در منطقه زیان می‌دیدند».

وی افزود: «پرسش مهم این است که آیا جریان میدان‌دار به پیامدها و نتایج عملکرد خود واقف است؟ اگر پاسخ مثبت است، چه رابطه‌ای بین این جریان و منتفع‌شدگان از این واقعیت وجود دارد؟».

نوشته رئیس شورای مرکزی حزب اشرافی کارگزاران در روزنامه «شرق» با تیتر «از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تا توافق با آمریکا» آمده است.

روزنامه شرق با انتشار متن محسن هاشمی نوشت: «مردم ایران قبول کرده‌اند که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان دفاع مقدس از سوی امام خمینی و نیروهای مسلح به دلیل ضعف نبوده، بلکه مقامات تصمیم‌گیر و حتی مردم به این حقیقت رسیده بودند که ادامه دفاع و حمله دیگر نمی‌توانسته خدمت به ایران و اسلام باشد و در صورت اصرار به ادامه آن، باعث ضررهای جبران‌ناپذیری به ایران می‌شد».

در ادامه این سرمقاله آمده است: «روشن است که فضای عمومی جهان و منطقه اجازه نمی‌دهد که بتوان با دفاع و حمله و پیروزی نظامی به دستاوردهای مدنظر ایران رسید، چراکه خیلی گران تمام می‌شود که منابع و تجهیزات آن را در اختیار نداریم و حتی اگر داشتیم، نتیجه آن باز هم معلوم نیست، چراکه ممکن است طرف مقابل از جنایاتی نظیر بمب اتم تاکتیکی استفاده کند ... اگر توافق با آمریکا را مانند قطعنامه ۵۹۸ فرض کنیم، پس از اجرای آن و در جریان تشییع جنازه رهبر شهید، توافق نقض شد و بازگشت به آن مانند اجرای هرچه سریع‌تر قطعنامه ۵۹۸ می‌تواند جلوی بسیاری از هزینه‌ها و خسارات جانی و اقتصادی را به ایران بگیرد».

سعید لیلاز، هم‌فکر و هم‌قطار هاشمی، با حضور در برنامه «سه‌کنج» اذعان کرد که آمریکا از گرفتن امتیاز سیر نمی‌شود و اشتهایی فزاینده دارد.

لیلاز گفت: «مهرماه ۱۴۰۴ از دفتر آقای لاریجانی با من تماس گرفتند که به شورای عالی امنیت ملی بروم، در جلسه‌ای که آنجا داشتیم صحبت شد که در جریان مذاکرات نیویورک به وساطت آقای مکرون با تیم آمریکایی مشغول مذاکره و چانه‌زنی بودیم. وقتی تیم آمریکایی پیشنهاد ایران را برای ارائه به آقای ترامپ بردند؛ ترامپ گفت: «نه، من قبول ندارم؛ این [امتیازها] کم است، به آن اضافه کنید»».

وی افزود: «شهید لاریجانی گفت که برای بار دوم پیشنهادهایی ارائه شد و آقای ترامپ گفت: «نه، من نمی‌خواهم؛ این کم است، دوباره بیشترش کنید». این روند ادامه داشت تا به بار سوم و بار چهارم رسید و ما یقین پیدا کردیم که آمریکایی‌ها دنبال توافق نیستند ... ما حدس می‌زنیم تا پایان دی‌ماه، یعنی تا پایان ۲۰۲۵، به ایران حمله خواهد شد».

پس از حضور در برنامه «سه‌کنج»، لیلاز با حضور در برنامه «به‌وقت ایران» ابعادی دیگر از ارتباط با آمریکا را تشریح کرد و اظهار داشت: «از مثبت‌بودن متن تفاهم‌نامه فهمیدم که این موضوع یک تله است».

محسن هاشمی با منطق «هزینه و فایده» و با استناد به قطع‌نامه ۵۹۸ خواهان بازگشت به توافق اسلام‌آباد شد، در حالی که لیلاز معتقد است که متن تفاهم‌نامه حکایت از دام و تله داشت.

به نظر می‌رسد ترامپ با رفتار سینوسی و حرکت دائمی میان پیمان و نقض پیمان، اراده ایران را نشانه رفته و به دنبال فرسایش روانی جامعه و حفظ سایه «نه جنگ، نه صلح» است؛ به شکلی که یأس و ناامیدی بر ایرانیان چیره شده و به حسی دائمی بدل شود.

در چنین شرایطی، بازگشت به تفاهم‌نامه، «پاس گل» به آمریکا حساب شده و می‌تواند زمینه تداوم این رفتار سینوسی را فراهم و سناریوی ترامپ را تکمیل کند.

اگر بلاتکلیفی (نه جنگ، نه صلح) موجب کلافگی و تَسری یأس در جامعه می‌شود؛ بازگشت به تفاهم‌نامه و نقض مجدد پیمان به‌مثابه یک «کاتالیزور» عمل کرده و سرعت فرسایش اعتماد و امید در جامعه را افزایش می‌دهد.

به جای گفت و شنود

آسمان را سوی قم آوردی

امروز با سالروز شهادت حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها همزمان است. دختر گرانقدر امام موسی کاظم(ع) و خواهر بزرگوار امام رضا(ع) که بعد از کوچ اجباری امام رضا(ع) برای پیوستن به برادر، رهسپار ایران شدند. حضرتش(س) در میانه راه و در نزدیکی شهر ساوه مورد هجوم دشمنان اهل‌بیت(ع) قرار گرفتند و چندی بعد، پس از جراحات بسیار به شهادت رسیدند. ستون گفت و شنود امروز را در سوگ حضرتش به بخشی از بیانات آقای شهیدمان در این خصوص اختصاص می‌دهیم؛

«حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها، صرفاً یک امامزاده والامقام نیستند، بلکه یک «حلقه وصل تمدنی» و «چشمه جوشان معرفت» در تاریخ اسلام و تشیع به شمار می‌روند. تربیت‌یافتگی در مکتب عصمت و طهارت، از ایشان شخصیتی بی‌نظیر ساخت که با هجرت آگاهانه و تاریخ‌ساز خود، بذر علم، بینش و ولایت را در جغرافیای ایران‌زمین پراکندند... این بانوی بزرگوار، این دختر جوانِ تربیت‌شده دامان اهل‌بیت پیغمبر(ص)، با حرکت خود در جمع یارانْ و اصحاب و دوستان ائمه(علیهم‌السّلام) و عبور از شهرهای مختلف و پاشیدن بذر معرفت و ولایت در طول مسیر در میان مردم و بعد رسیدن به این منطقه و فرود آمدن در قم، موجب شده است که این شهر به عنوان پایگاه اصلی معارف اهل‌بیت(ع) در آن دوره ظلمانی و تاریک حکومت جباران بدرخشد و پایگاهی بشود که انوار علم و انوار معارفِ اهل‌بیت را به سراسر دنیای اسلام از شرق و غرب منتقل کند» ... و به قول آقای یوسف رحیمی، شاعر متعهد کشورمان؛

آمدی و بهشت را با خود / به دل این کویر آوردی
آمدی با فرشتگان از راه / آسمان را سوی قم آوردی

نکته

زاویه‌دارها وصله‌های ناجور وفاق

۱- ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) در گزارش سال ۲۰۲۰ خود که بخشی از آن را خبرگزاری آسوشیتدپرس منتشر کرده است، به عرصه جدیدی از جنگ اشاره کرده و آورده است: «تاکنون پنج حوزه جنگی را به رسمیت می‌شناختیم؛ زمین، هوا، دریا، فضا و فضای سایبری». و در ادامه تأکید می‌کند که از این پس باید حوزه و میدان دیگری از جنگ را به این پنج حوزه اضافه کنیم و از آن با عنوان «جنگ شناختی - cognitive warfare» یاد می‌کند. این حوزه جدید چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ پاسخ سؤال را باید از زبان «جیمز جوردانو» که یکی از دست‌اندرکاران تهیه گزارش یادشده است، شنید. جوردانو می‌نویسد: «در جنگ شناختی، ذهن انسان به میدان نبرد تبدیل می‌شود. در جنگ روایت‌ها، که شاخه‌ای از جنگ نرم است، هر یک از دو سوی جنگ تلاش می‌کنند تا روایت خود از یک رخداد را بر روایت طرف دیگر غلبه داده و باورپذیرتر معرفی کنند. اما هدف نهایی در جنگ شناختی آن است که حریف همان‌گونه فکر کند که ما می‌خواهیم. از این روی میدان اصلی نبرد در جنگ شناختی مغز انسان‌ها و سیستم محاسباتی آنهاست». و اما، چگونه؟!

۲- به این نکته حکیمانه از آقای شهیدمان که فقط یکی از بسیارهاست توجه کنید، حضرت ایشان اصلی‌ترین انگیزه عملیات روانی و کارویژه عوامل نفوذی را «اختلال در دستگاه محاسباتی» مسئولان دانسته و از جمله، می‌فرمایند: «غربی‌ها تلاش می‌کنند که افراد را جذب کنند و افرادی را که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر عبارت است از تغییر در باورها، آرمان‌ها، نگاه‌ها، سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنید به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند... هدف این است. هدف نفوذ این است» و ده‌ها نمونه دیگر از همین هشدارها و بیدارباش‌ها که تقریباً بی‌پاسخ مانده‌اند!

۳- جریانات غربگرا و غربزده را می‌توان و باید در فهرست افراد و جریاناتی جای داد که سیستم محاسباتی آنها به تسخیر دشمن درآمده است و همان‌گونه فکر می‌کنند و به ارزیابی و محاسبه مسائل می‌نشینند که خواسته دشمن است. افرادی با این طرز تفکر نمی‌توانند و نباید در مسئولیت‌های کلیدی به کار گرفته شوند. این جماعت با انقلاب و نظام اسلامی و مردم شریف و جان‌فدای ایران همسو و همخوان نیستند. در این‌باره اگرچه گفتنی بسیار است، ولی در این مختصر، باز هم به یکی دیگر از بیانات [مثل همیشه] هوشمندانه و حکیمانه آقای شهیدمان اشاره می‌کنیم. حضرت ایشان چند روز قبل از آخرین انتخابات ریاست جمهوری (۵ تیرماه ۱۴۰۳) خطاب به دو نامزد انتخابات می‌فرمایند: «توصیه و عرض ما به نامزدهای انتخابات [این است]. من به این حضرات محترم عرض می‌کنم که با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست آورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمی‌خورد. او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود».

۴- خطر زاویه‌دارها هنگامی است که در مسئولیت‌های کلیدی (حتی لایه دوم و سوم) به کار گرفته شوند و یا به‌عنوان مشاور، در کنار فلان مسئول حضور داشته باشند و متأسفانه باید گفت که این رخداد خسارت‌بار در پاره‌ای از موارد به وقوع پیوسته است و برخی از مسئولان در پوشش «وفاق» زاویه‌دارهایی از این دست را (خواسته یا ناخواسته) به کار گرفته‌اند! و حال آنکه، وحدت یا وفاق تعریف شناخته‌شده‌ای دارد. وفاق که گزاره بسیار ارزشمندی نیز هست، در میان کسانی است که اصول و مبانی مشترکی دارند، اگرچه ممکن است سلیقه‌های سیاسی متفاوت و حتی متضادی داشته باشند. با این تعریف از وفاق، زاویه‌دارها نه فقط وصله ناجور وفاق، بلکه آفت وفاقند.

۵- بعد از فتنه ۸۸، جمعی از مدعیان اصلاحات که در پی آن حرکت خیانت‌آمیز، احساس انزوا می‌کردند، شعار «آشتی ملی»! سر دادند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرموده بودند: «حالا یک عدّه‌ای یاد گرفته‌اند تعبیرات «آشتی ملّی، آشتی ملّی» [را گفتن]؛ این حرف‌ها به نظر من معنی ندارد؛ مردم مجتمعند، با هم متّحدند؛ آنجایی که پای اسلام در میان است، پای ایران در میان است، پای استقلال در میان است، پای ایستادگی در مقابل دشمن در میان است، مردم با همه وجودشان ایستاده‌اند. ممکن است در فلان مسئله سیاسی دو نفر با هم اختلاف نظر داشته باشند [امّا] تأثیری نمی‌گذارد. چرا می‌گویید آشتی؟ مگر قهرند که بیایند با هم آشتی کنند»؟ امام شهید در ادامه بیانات خود، زاویه‌دارها را بیرون از دایره «وفاق» تعریف کرده و می‌فرمایند: «بله، مردم ما با آن کسانی که به روز عاشورا اهانت کردند قهرند. ملّت با آنهایی که روز عاشورا، با قساوت، با لودگی، با بی‌حیایی آمدند جوان بسیجی را در خیابان لخت کردند و کتک زدند، قهر است. با اینها آشتی هم نمی‌کنیم.»

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* اجتماع ۳۱۳ هزار نفری جان‌فدا، نشان داد که مردم همچنان متغیر اصلی قدرت ملی ایران‌اند و بقای تمدن بزرگ ایرانی اسلامی مدیون و مرهون این مردم است.

غفاری

* ۲۰۰ شب حضور مستمر شبانه مردم مبعوث شده نشان داد این کنش سیاسی - اجتماعی در برابر تهدید تجاوز خارجی فقط یک میتینگ سیاسی نیست. مانور ۳۱۳ هزار نفری جان‌فدا نشان داد که این چشم به هم زدن این آمادگی سیاسی، رنگ نظامی می‌گیرد و هر تهدیدی را در نطفه خفه می‌کند!

مظفر

* پروفسور رابرت پیپ می‌گوید: «من سالها جنگ ایران را شبیه‌سازی کردم؛ ایران پایان این جنگ هژمون منطقه خواهد بود. این جنگ، مثل جنگ ویتنام یا افغانستان و... نیست. هیچ نتیجه‌ای جز شکست در این جنگ نصیب آمریکا نمی‌شود. مجموع تحولات جهانی نشان می‌دهد که سرنوشت این جنگ جز شکست و فروپاشی آمریکا نخواهد بود.»

پارسا

* الکساندر لوکاشنکو (سیاستمدار، افسر ارتش پیشین و نخستین رئیس‌جمهور بلاروس) با رد ادعای آمریکایی‌ها که می‌گویند عواملی از جمله ماجرای سفارت آمریکا در تهران در اوایل انقلاب ایران، باعث تنش‌ها و جنگ فعلی علیه ایران است، گفت: آمریکا تصمیم گرفت که علیه ایران جنگی را آغاز کند و علت این جنگ، ثروت ایران است و عوامل دیگر اهمیتی برای آمریکا ندارد! قابل توجه غربگرایان.

تُربتی

*روزنامه صهیونی هاآرتص با اشاره به تحمیل برنامه درسی مورد تأیید رژیم صهیونی بر مدارس قدس اشغالی، فاش کرد حدود ۴۵ هزار دانش‌آموز فلسطینی (۳۸ درصد از مجموع ۱۲۰ هزار دانش‌آموز در شرق قدس) امسال مجبور هستند بر اساس برنامه درسی اسرائیل تحصیل کنند. هدف این فشارها حمله مستقیم به هویت ملی و فرهنگی دانش‌آموزان فلسطینی است.

درزی

*ژنرال هشام جابر، از فرماندهان سابق ارتش لبنان و تحلیل‌گر مطرح نظامی، سؤال کرده چرا علی‌رغم تهدیدهای مکرر و سابقه حملات وحشیانه آمریکا، آن‌ها تاکنون جرأت نکرده‌اند به زیرساخت‌های حیاتی ایران مثل پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و خطوط لوله آسیب بزنند؟ دلیل آن دلسوزی یا رعایت اصول اخلاقی نیست. بعد خودش جواب داده تحلیل‌گران نظامی معتقدند تنها یک دلیل منطقی وجود دارد. آمریکا از وجود یک ابزار بازدارنده و قدرتمند دفاعی در دست ایران باخبر است.

صفّار

* دولت بد خرج و بی‌تدبیر ترامپ احمق، بدهی‌های آمریکا را به رکورد ۴۰ تریلیون دلار رسانده که می‌تواند گسل‌های اقتصاد این کشور را جا به جا کند و به یک زلزله مهیب در آمریکا تبدیل شود.

اسدپور

* دولت سعودی بعد از ناتوانی مقابل یمن، برای درخواست حمایت و کمک دست به دامن آمریکا و رژیم صهیونی شده است، گویا خبر از ناتوانی شیطان بزرگ و سگ زنجیره‌ای او ندارد که چگونه در برابر ملت قهرمان یمن مفتضح شدند!

خدیو

* قابل توجه شعام! ببینید یمن قهرمان باتکیه برخدا آمریکا را به زانو درآورده و به فتوحاتی فوق تصور دست یافته است.کار را تمام کنید. فرسایشی شدن جنگ، خسارات غیرقابل تصوری برای کشور خواهد داشت.

ابوالقاسمی

* عبدالحمید مولوی در خطبه‌های نماز جمعه زاهدان سخنان ضد انقلاب را تکرار و عنوان داشت که جریان مهسا امینی منجر به خیزش مردمی در کشور شد! از کِی تا به حال حرکت ضد انقلاب و تخریب اموال عمومی و قتل و غارت تحت حمایت اسرائیل، خیزش عمومی است؟!

خرمی

* وزیر انرژی آمریکا هم مجبور به اعتراف شد و گفت: فرمان قیمت انرژی دست ایران است! با این وصف، مسئولان محترم مراقب گفتار خود باشند که قیمت آن کاهشی نشود!

مرزبان

* کارکرد دیپلماسی گاه اقتضا می‌کند که در برخی اجلاس‌ها و مجامع حضور نیافت. چه‌بسا در شرایطی خاص، منفعت و دستاوردِ عدم حضور در سطح رئیس‌جمهور در نیویورک، بیش از حضور در چنین سطحی باشد.

عباسلو

* مشاهده صحنه زدن سیلی سنگین پلیس بلژیک به زنی که با دست بسته سوار ون پلیس می‌شد در فضای مجازی، اعصابم را به ریخت. قابل توجه خانم لاله مرزبان که برای گرفتن یک جایزه بی‌مقدار از دست خارجی‌ها چشمانش را روی این صحنه‌های دلخراش در کشورهای غربی بست و برعکس علیه کشورش موضع گرفت.

حلاوتی

* خوشبختانه جنگ ایران پیامدهای عمیقی برای ترامپ داشته و با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای، به کاهش محبوبیت او دامن زده و قیمت بالای بنزین، فشار اقتصادی را برای رأی‌دهندگان تشدید کرده است.

آقاپور

* عراقی‌های عزیز بدانند ثبات عراق با خروج کامل نیروهای آمریکا محقق خواهد شد. چراکه حضور واشنگتن وضعیت سیاسی و امنیتی این کشور را مختل و مانع تحقق حاکمیت می‌شود.

خاک‌نژاد

* سلاح مقاومت عراق پروژه‌ای برای دفاع از عراق و حاکمیت آن در برابر اشغالگری و تهدیدهاست. بر این اساس اعضای مقاومت مانند اعضای جنبش النجبا عراق معتقدند سلاح مقاومت تحویل داده نخواهد شد، اما می‌توان موضوع ساماندهی آن و مدیریت پرونده امنیتی را از طریق گفت‌وگوی عراقی بررسی کرد.

شهبازی

* حمایت کانادا از جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران یک تناقض آشکار است.کانادا نمی‌تواند هم خود را منادی صلح و حقوق بین‌الملل معرفی نماید و هم از تجاوز نظامی آمریکا حمایت کند.اگر مسئله واقعاً آزادی کشتیرانی است، چرا کانادا به جای مطالبه توقف جنگ، از تروریسم اقتصادی آمریکا حمایت می‌کند؟این انتخاب حتی خود کانادا را بیشتر در معرض باج‌خواهی‌های آمریکا قرار خواهد داد.

مجتهدی

* فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرد مقدمات بازگشت مسعود بهنود و عبدالکریم سروش به ایران فراهم شده است. کاش این مقام مسئول در مورد معیشت مردم، وضعیت بی‌حجابی و ولنگاری، ازدواج و مسکن جوانان و... هم همین‌قدر دغدغه و پیگیری می‌داشتند.

دارابی

* در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، اهالی یک مجتمع‌مسکونی شعارهای ضد نظام و رهبری می‌دادند و کمتر از ۲ ماه بعد، همان ساختمان‌ها توسط آمریکا و رژیم صهیونی بمباران شدا! این امر نشان داد که از آمریکای خبیث و رژیم جعلی هیچ آبی برای ایرانی جماعت گرم نمی‌شود!

طاهایی

*مجتبی عالی، عضو اتحادیه مرکزی دامداران، در مصاحبه اعلام کرد می‌خواهیم محاصره را بشکنیم و نهاده از روسیه بیاوریم، اما می‌گویند فقط از برزیل بیاورید. متأسفانه اگر این موضوع صحت داشته باشد باید به جد رسیدگی شود.

کریمخانی

* اگر جلوی خرج‌های غیرضروری و بریز و بپاش‌ها شرکت‌های دولتی و...گرفته شود، لازم نیست امروز به مردم گفته شود از یارانه برق، آب، گاز استفاده نکنید!

عباسی

* ایران با برخورداری از ظرفیت بالای تابش خورشیدی، می‌تواند بخشی از نیاز خود را از انرژی خورشیدی تأمین کند. کاهش چشمگیر هزینه احداث نیروگاه‌های خورشیدی در سال‌های اخیر، فرصت مناسبی برای تغییر تدریجی سبد انرژی کشور ایجاد کرده است.

میلانی

*سلطنت‌طلب‌های صهیونیست در خارج نشان دادند بیش از پیش در حال اسرائیلی شدن هستند. کسانی که تا دیروز «ایران، ایران» از دهانشان نمی‌افتاد. امروز چنان به‌واسطه اینترنشنال مغزشویی شده‌اند که دیگر کم‌کم دارند روش هشانا (سال نو عبری) را هم با نوروز باستانی ایرانی جایگزین می‌کنند. شرمشان باد که ذره‌ای غیرت ایرانی ندارند.

مدنی

* هجوم شخصیت‌های کارتونی غرب و شرق به قفسه‌های لوازم‌التحریر مدارس، سال‌هاست که زنگ خطر را برای هویت فرهنگی کودکان و نوجوانان به صدا درآورده است. این بازار باوجود ظرفیت‌های غنی بومی و تاریخی کشور، متاسفانه همچنان در تسخیر شخصیت‌های وارداتی قرار دارد.

اولیائی

* از شرکت آب و فاضلاب اهواز درخواست می‌شود کنتورهای مستعمل که لازم است توسط مشترکان تعویض شود لطفاً هزینه آن به طور اقساطی از طریق قبوض آب دریافت شود چرا که با توجه به قیمت قریب شش میلیونی آن، بسیاری از افراد قادر به پرداخت یکباره آن نیستند.

انصاری